

### متن پرسش

سلام استاد گرامی-استاد منمى دانم چگونه سوالم را بپرسم..من در گذشته از زمانى كه در نوجوانى در اردوى راهيان نور شركت كردم به طور كلى مسير زندگيم عوض شد و به لطف خدا در مسير حق وارد شدم گرچه فراز و فرود زياد داشته ام ولى حداقل ظواهر دين را به خوبى رعايت كرده ام در اين مسير به مرور با استادانى چون حاج آقا پناهيان و دولابى و استادصفايى و شهيد مطهرى و.. آشنا شده و از آثارشان بهره برده ام...در برهه اى از زندگى هم حقيقتاً خدا لطف كرده و به طرز عميقى طعم شيرين بندگى خويش و خدا داشتن را كه انسان را ازهر لذتى مستغنى مى كند چشيده ام گرچه ادامه نيافت به دليل ضعيف بودن نفس خودم يا نداشتن پايه فكرى لازم...حالا بعد از حدود شش سال كه در اين مسيرم به اين نتيجه رسيده ام كه خيلى از احساسات انقلابى ام كه ميخواستيم و فكر ميكرديم مى توانيم دنيا را تغيير بدهيم فقط-احساسات- بوده است و آدمى در اين جهان خيلى نمى تواند كارى بكد و حتى خيلى در سرنوشت خودش هم موثر نيست و فقط وظيفه اش درست امتحان دادن است...دچار نوعى ياس و سستى در عمل شده ام و ديگر دليلى براى مبارزه با نفس نمى يابم..مگر چقدر تأثير خواهد داشت..مگر من به كجا خواهم رسيد..اصلاً خدا كه مى تواند به هر شكلى كه صلاح است مسير زندگى مرا تعيين كند پس من چكاره ام...احساس مى كنم در جهان معلوم... به هيچ احساس يا تفكرى وصل نيستم--از تفكرم كه فكر ميكردم تنها راه درست مسير من است پشيمانم...فكر ميكنم هر مسيرى كه فرد را به توحيد برساند كافى است...داعيه ي شيعه و انقلاب كه مطلق گرا هستند درست نيست...اصلاً چرا ما بايد خوب شويم و... ببخشيد كه طولانى شد و تشكر از لطف بى حدتان.

### متن پاسخ

باسمه تعالى: سلام عليكم: همين طور كه مى فرماييد هر مسيرى كه فرد را به توحيد برساند كافى است و اين تنها هدف زندگى ما بر روى زمين است و حقيقتاً توحيد و انس با حق اعلى ترين نوع زندگى است و در قيامت بهره هاى فراوانى دارد. سعى كنيد حجاب هاى بين خود را برطرف كنيد و قدم قدم جلو برويد. بنده به اين نتيجه رسيده ام با شيعه بودن و نظر به اهل البيت «عليهم السلام» كه مظاهر كامل اسماء الهى هستند اين كار ممكن است و در راستاى نظر به سيره ي امامان معصوم است كه انقلاب اسلامى را ارزش مى نهم و معتقدم در اين روش مسير انس با خدا ممكن است. موفق باشيد